

گفت‌وگو با رویا جاویدنیا به بهانه پخش سریال «سایه‌بان» از آی فیلم

سریال نباید به مردم دروغ بگوید

یه نظر تان چرا مردم سریال «سایه‌بان» را دوست داشتند؟ جانیه‌هایش چه بود؟

فکر می‌کنم خیلی از مشکلات و معضلاتی که در این سریال مطرح شد، شبیه چیزی است که در زندگی روزمره مردم وجود دارد و یا آن زندگی می‌کنند. این که بینندگان توانستند با این سریال هم‌ذات‌پنداری کنند از دلایل محبوبیت آن است. والدین و بچه‌ها توانستند خودشان را در این اثر پیدا کنند. والدین خودشان را به جای پدر و مادر «آرمان» یا خاتواده «سهراب» می‌گذاشتند و بچه‌ها هم خود را در قالب جوان‌ترها می‌دیدند. به نظر من وقتی کسی را در سریال می‌بینیم که خیلی شبیه خودمان است، با او ارتباط برقرار می‌کنیم.

یا توجه به تجربه‌ای که تاکنون به دست آورده‌اید، یک سریال باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا مخاطب ایرانی آن را دوست داشته باشد؟

یه نظر من مخاطب ایرانی و غیر ایرانی فرقی ندارد، وقتی کاری از جان و دل مردم بر آید و واقعی باشد، مورد پسند واقع می‌شود. وقتی به موضوعات واقعی فکر می‌کنیم، باید یگویی سریال‌هایی مورد پسند واقع می‌شوند که مردم خودشان را در آن ببینند. البته گاهی اوقات ما خودمان را در سریال نمی‌بینیم، بلکه یکی از اقوام یا دوستانمان را در آن می‌بینیم و با نقش ارتباط برقرار می‌کنیم. در یک کلام می‌خواهم بگویم که نباید چیز مصنوعی به مردم تحویل دهیم. مخاطبان از چیزهای مصنوعی و غیر واقعی خوششان نمی‌آید. هر چه به واقعیت نزدیک‌تر شوی و عمق مسائل را به مخاطبان نشان دهی، بهتر یا کار ارتباط می‌گیرند. گاهی اوقات واقعیت‌ها تلخ است اما به دل بیننده می‌تسیند. زندگی ما آدم‌ها سراسر شادی نیست، بلکه غم و ناراحتی هم دارد، به همین دلیل مردم با کارهای تلخ هم ارتباط برقرار می‌کنند.

خودتان از چه فیلم و سریال‌هایی خوشتان می‌آید؟

من از کارهایی خوشم می‌آید که دروغ نگویند.

«سایه‌بان» چه پیام خاصی برای مخاطبان خود داشت؟

اصولاً دنبال پیام نیستیم ولی حتماً این سریال حرفی با مردم داشت. مخصوصاً این سریال پیامش خطاب به بزرگ‌ترها بود. شاید پیامش این بود که چقدر می‌توان مهربان‌تر بود و مسائل را سخت نگرفت. به نظر من این سریال می‌خواست بگوید که هر چقدر بیرون از خله سختی و مشکلات داریم، باید آن‌ها را در کنار یکدیگر تحمل کنیم. شاید می‌خواست بگوید که شما فکر می‌کنید چه کسی هستید که برای خودتان طبقه‌بندی را تعریف کنید. البته می‌توان به لحاظ مالی و فرهنگی، تفاوت طبقه‌بندی را درک کرد، اما نباید سفت و سخت بر این تفاوت‌ها تأکید داشت.

برای انتخاب یک نقش چه معیارهایی برایشان مهم است؟

برایم مهم است نقشی را بازی کنم که قبلاً آن را تجربه نکرده باشم. نقش‌های تکراری را دوست ندارم. هر چه نقش پرچالش‌تر و واقعی‌تر باشد، جذاب‌تر است. وقتی شوق اجرا کردن نقشی را داشته باشی می‌توانی این شوق را به تماشاگر منتقل کنی. بعضی چیزها را خودم دوست دارم و می‌خواهم که آن را در تصویر زندگی کنم. مثلاً وقتی بچه‌تداری چطور می‌توانی یک مادر باشی. نقش را می‌توانی بازی کنی ولی مادر نیستی. وقتی یک چیزی را درک می‌کنم، خیلی دوست دارم که به‌عنوان بازیگر آن را در اجرا زندگی کنم.

کارهای برادران محمودی چه ویژگی‌های مشترکی دارند؟

من در دو کار با آن‌ها همکاری داشته‌ام. چیزی که خیلی خوب متوجه شده‌ام این است که آن‌ها بسیار دغدغه مسائل اجتماعی را دارند. دغدغه‌مند بودن آن‌ها نسبت به موضوعات اجتماعی و مخصوصاً مسائل جوانان، خیلی واضح است.

یه مدیوم و ژانر خاصی علاقه دارید؟

یه کارهای واقعی علاقه‌مند هستم و ژانرهای پلیسی-جنایی، اکشن و اجتماعی را دوست دارم.

یه نظر تان قضای مجازی برای بازیگران یک فرصت است یا تهدید؟

فکر می‌کنم این قضای تاحدی خوب و کمک‌کننده است. برخی افراد، از قضای مجازی کاسپی می‌کنند و از آن به‌صورت هوشمندانه بهره می‌برند. به‌طور کلی نمی‌توانم بگویم این قضای را ابتکار کنم و به مزیت‌هایش واقف هستم اما من قضای شخصی خودم را دوست دارم. شاید در آینده به این نتیجه برسم که صفحه‌ای در قضای مجازی داشته باشم. اما الان این نیاز را احساس نمی‌کنم. خیلی اهل قضای مجازی نیستم چون تصور می‌کنم که در دسر‌های بیشتر از حسن‌هایش است. خیلی از بازیگران را می‌بینیم که می‌خواهند یا صفحه‌هایی که درست می‌کنند دیده شوند و سر زبان‌ها بیفتند. البته بیشتر جوان‌ترها این قضای را دوست دارند، چون می‌خواهند مطرح شوند. اما من این دغدغه را ندارم و حوصله قضای مجازی را هم ندارم. به نظر من قضای خصوصی هر کسی به خودش ربط دارد اما متأسفانه در قضای مجازی می‌بینیم که برخی فحش می‌دهند و به‌درستی از این قضای استفاده نمی‌کنند. مثلاً در کشورهای پیشرفته از مراسم مختلف و کارهای بازیگران عکس‌گذاشته می‌شود اما در ایران این‌طور نیست.

پس به نظر تان قضای مجازی یک فرصت نیست؟

قضای مجازی مثل روزنامه‌های زرداست و هیچ اتفاق خاصی در آن نمی‌افتد.

الان مشغول چه کاری هستید؟

در سریالی مشغول فعلیت هستم که آقای محمد پاشه‌آهنگر کارگردانی‌اش را بر عهده دارند. اسم سریال «پس از آزادی» است که امکان دارد در آینده عوض شود. موضوع این سریال در مورد مسائل خانوادگی و اجتماعی است اما نمی‌توانم اطلاعات بیشتری بدهم.

نقدی بر مستند «کامران» بسیار استاندارد و بسیار معمولی

محمود صادقلو

پس از مدت‌ها یک فیلم خوش‌فرم در جشنواره مستند سیما پخش شد که با وجود موضوع نسبتاً تلخ از ناله کردن حذر دارد. هر چند که قهرمان بدون عزت نفسش در میان ترحه‌برانگیز بودن و رقت‌انگیز بودن دست و پامی‌زند. کاراکتر مثل موم در دست کارگردان است، همین موضوع باعث شده که تلخی اثر گرفته شود. «کامران» داستان بازیگر غیرمعروف است که سال‌هاست بازیگری را کنار گذاشته و بعد از ۲۳ سال تلاش می‌کند به آن قضا برگرود. این تلاش گاهی به بروز مسائلی توسط او منجر می‌شود، هر چند که «کامران» آنقدر سمج است که برای خودش شرایط بهتری، هر چند از نظر روحی رقم می‌زند. «کامران» تلاش دوباره برای زندگی است توسط مردم میان‌سال که زندگی خود را از دست رفته می‌بیند. سکانس درخشان فیلم، تست دادن او پیش یکی از بدترین بازیگران تاریخ سینمای ایران، یعنی «افشین هاشمی» است. «هاشمی» تلاش می‌کند «کامران» را هدایت کند. با تکیه به روش‌هایی که اگر خود هاشمی در مقابل یک انسان آگاه آن‌ها را به کار بگیرد، ظرف یک‌ساعت خود و تمام باصطلاح اطلاعاتش در مورد بازیگری متهدم خواهد شد. اما «کامران» که حتماً بازیگر بهتری نسبت به «هاشمی» است، صبورانه تست می‌دهد تا بتواند روزنه‌ای به سوی هدفش پیدا کند. فیلم در ابتدا به معنای واقعی توی ذوق می‌زند و این تصور را ایجاد می‌کند که قرار است باز به تماشای فیلمی در ستایش بدبختی بنشینیم، اما لحظه به لحظه بهتر می‌شود و تماشاگر را به درون خود می‌کشد. فیلم در انتها موفق می‌شود بحث خود را از تلاش برای بازیگر شدن قهرمانش فراتر ببرد و مسئله‌های مهم‌تر را مطرح کند؛ یک انسان شکست‌خورده که برای بقا تلاش می‌کند. حتماً باید اشاره کرد که این فیلم یکی از بهترین مستندهای مشاهده‌گر چندسال اخیر سینمای ایران است. همچنین حتماً باید گفت که کارگردان موفق می‌شود آنقدر موضوع را خوب پیش ببرد که به خود بگویم، چقدر خوب می‌شد اگر کارگردانی کار از این هم بهتر بود. به‌خاطر همین می‌توان «کامران» را یک مستند خوب اما معمولی دانست؛ مستندی که حرفش را می‌زند اما موفق نمی‌شود لحظات انسانی تمام‌عیار خلق کند، هر چند که سکانس‌های عالی مثل ملاقات «کامران» با خانواده‌اش را در خود داشته باشد. خصلت خوب مشاهده‌گر بودن فیلم تبدیل شده به پاشنه آشیل فیلم. کارگردان مانع‌گذاشتن ندارد و نوعی ورپته خلق کرده، اما موضوع اثرش قابلیت بسط بالاتری داشت. مهاجرانی به این اشاره نمی‌کند که اساساً سینمای انحصاری و وابسته به نفعت ایران بازیگرانی بزرگ‌تر از «کامران بهزادی» را هم حذف کرده و آب از آب تکان نخورده، چون اصلاً نیازی به نگرانی نیست که فیلمی مثل «محمد صلی‌الله» با رقم ۳ میلیون دلار ساخته شود و فروشی بسیار اندک داشته باشد. این نبودن تحلیل باعث می‌شود فکر کنیم نمای ورود «کامران» به جایی که مجیدمجیدی عکس می‌گیرد اتفاقی است.



شهر بانو جمعه‌پور

گفت‌وگو

«سایه‌بان» سریالی است که به کارگردانی برادران محمودی در سال ۱۳۹۶ ساخته و از شبکه دوم سیما پخش شد. این کار هم مانند دیگر تولیدات برادران محمودی به مسائل اجتماعی و خانوادگی می‌پردازد. «سایه‌بان»، رفاقت دیرینه دو دوست به نام‌های سهراب و سعید را روایت می‌کند که به‌خاطر مشکلات مالی در معرض آزمایش قرار می‌گیرند. مشکلات روزمره یک خانواده ایرانی از جمله دغدغه درست کردن چینی، بیکاری، استقلال‌ناشویی، ورشکستگی، وام و بی‌پولی و... از جمله مسائلی است که در این مجموعه تلویزیونی به تصویر کشیده می‌شود. در این سریال بازیگران توانایی همچون رویا جلو پدینیا، علی اوسینوند، امین تارخ، بهزاد قراهانی، کامران تفتی، مجتبی پیرزاده محمد ولی‌زادگان، رویا تیموریان، پریوش نظریه و محمد رضا غفاری جلوی دوربین رفتند. در حال حاضر این سریال از شبکه آی‌فیلم در حال پخش است. به‌همین بهانه با رویا جلو پدینیا، یکی از بازیگران این مجموعه، گفت‌وگویی را ترتیب دادیم که در ادامه می‌خوانید.